

امر تنها مربوط به منابعی است که درباره هر یک از قهرمانان مورد بحث در کتاب موجود بوده است چنان که درباره محمود دو صفحه و درباره اسحاق پنج صفحه مطلب داریم ولی درباره خرم‌دینان و بابک خرم‌دین قریب ۱۰۰ صفحه.

روان زنده یاد استاد غلامحسین صدیقی شادباد که محقق بسیار دقیق و ایران‌دوست بود، چنان که در دنیای سیاست نیز از افراط و تفریط و «شعار دادن» گریزان بود چه شأن و مقامش اجل از این گونه سخنان بود.

\* در شماره چهارم سال پنجم این مجله در مقاله «دکتر علی شریعتی در دانشگاه مشهد (فردوسی)» نوشتیم که در دانشگاههای فرانسه دو نوع درجه دکتری کاملاً متفاوت — به خصوص در رشته‌های ادبیات و علوم انسانی — به داوطلبان اعطا می‌گردد. یکی درجه دکتری دولتی با ضوابط دقیق دانشگاهی که از جمله دارای ارزش علمی و استخدامی در خاک فرانسه بود، و البته اخذ چنان درجه‌ای — به ویژه برای خارجیان — کار هر کسی نبود. و دیگری دکترای دانشگاهی که در کشور فرانسه مطلقاً فاقد هرگونه ارزش علمی و استخدامی بود و اخذ آن درجه دکتری، حتی مستلزم تحصیل درس یا دروسی در دانشگاه و توفیق در آنها نیز نبود، چنان که داوطلب می‌توانست فی‌المثل با در دست داشتن لیسانس ادبیات فارسی یا زبان فرانسه از دانشگاه مشهد به ترتیب داوطلب اخذ درجه دکتری دانشگاهی در «تاریخ» یا «روان‌شناسی» بشود، و با هر قدر اطلاع از زبان فرانسه، حداکثر در پایان سال سوم اقامت در فرانسه رساله‌ای به زبان فرانسه به هیأت داوران تسلیم کند و دکتر در رشته تاریخ یا روان‌شناسی شناخته شود. نوشتیم که عده‌ای از کشورها از آغاز، دکتری دانشگاهی را به رسمیت نمی‌شناختند، و ما هم در دانشگاه مشهد در سالهای آخر رژیم پیشین دیگر کسی را با آن «درجه» استخدام نکردیم. ذکر این مطلب را در معرفی کتاب جنبشهای دینی ایرانی... لازم دانسیم تا خوانندگان بینند تفاوت بین دو درجه دکتری دولتی و دانشگاهی صادر از دانشگاههای فرانسه از کجاست تا به کجا.

عزت السادات گوشه گیر

شهرنوش پاریس پور  
آداب صرف جای در حضور گرگ

«حضور گرگ و حکایت رمان‌نویس مدرن»

— نگامی گذرا به کتاب آداب صرف جای در حضور گرگ نوشته شهرنوش پاریس پور —

جان جرارد برنان می‌گوید: «رمان‌نویس مدرن غالباً یک فیلسوف هنرمند است که عمیقاً به مسائلی می‌پردازد از جمله پرسشهایی مهم و اصولی مانند فردگرایی، تنهایی و

تبعید، پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی، جوهر و مبنای موجودیت، و ارزشهای معنوی»<sup>۱</sup>. کتاب آداب صرف جای در حضور گرگ مفهوم رمان‌نویس مدرن را با انگشت گذاری بر پرسشهای دیگری چون پیچیدگی هویت در دنیای کنونی و مهاجرت و جابه‌جایی گسترده‌تر می‌کند. شهرنوش یارسی پور هرچند آن‌طور که در شناسنامه یک نویسنده می‌گوید، «همیشه آرزومند بوده است که فلسفه بخواند»<sup>۲</sup>، در دانشگاه به تحصیل فلسفه نمی‌پردازد و با کوششهای فردی خود آن را فرا می‌گیرد و از آن‌جایی که متفکر است، تبلور اندیشه‌هایش را با در هم آمیختگی تخیل شاعرانه، با شکل بیان و زبانی نو در نوشته‌هایش ارائه می‌کند. همان سه عنصر اندیشه، خیال و زبان است که نوشته‌ها را به ذات شعر و فلسفه نزدیک می‌کند.<sup>۳</sup>

کتاب مذکور به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول داستانها و بخش دوم مقالات نویسنده را در بر می‌گیرد، دکتر احمد کریمی حکاک در پیشگفتار سعی کرده است که به گونه‌گونی سبک و سیاق نوشته‌ها پردازد و اختصاصاً نقش متنوع راوی را در قصه‌ها، به ویژه در داستانهای مردان تمدنهای مختلف که وی «داستانهای نه‌گانه تمدنهای عتیق» می‌نامد، تحلیل کند. پیشگفتار، پژوهشی ست شفاف در بافت ساختاری کار نویسنده. حکاک در پیشگفتار روی سخنش با خوانندگان است که «آشنایی لازم را با سبک و سیاق نویسنده» ندارند و «هدفش بیشتر آسانتر کردن درک مندرجات» مجموعه است برای آنان. شاید نشان دادن پیچیدگی و ابهام بشر و به تصویر درآوردن درک متفاوت از موجودیت بشر است با شکل بیانی غیر متعارف که مجموعه کار جای پژوهش و بررسی وسیع و همه‌جانبه در محتوا، زبان و فرم بیانی را طلب می‌کند. ادبیات مدرن که جایگزین هدفی شده است که قبلاً فلسفه آن را بیان می‌کرده است، خواننده ویژه‌ای را نیز می‌طلبد. این خواننده ویژه را ولادیمیر ناباکوف خواننده خوب می‌خواند و می‌گوید:

خواننده خوب کسی است که تخیل، حافظه و مقداری حس هنری و درکی از فرهنگ کلمات داشته باشد؛

سپس در رویارویی خواننده با یک کار هنری می‌افزاید:

ما باید به‌خاطر بسیاری که کار هنری همواره خلق یک دنیای جدید است. بنابراین اولین چیزی که ما باید انجام بدهیم مطالعه دقیق و تنگاتنگ این دنیای جدید است. باید به اثر به‌گونه‌ای نزدیک شویم که گویی هیچ ارتباطی با دنیایی که ما می‌شناسیم ندارد. وقتی که این دنیای تازه به‌طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفت آن‌گاه به خودمان اجازه بدهیم تا بیوندش را با

دنیا‌های دیگر، دیگر شاخه‌های دانش و معرفت دریا‌ییم و ارزیابی کنیم»<sup>۵</sup>. البته چنین گفتاری یعنی جدا کردن اثر از خود و مطالعه تجربیدی‌اش برای هر خواننده‌ای نمی‌تواند روش درستی باشد برای رسیدن به درک علمی عاطفی آن اثر. گاه خواننده‌ای با ترکیب و آمیزش دو کلمه یا در بافت یک تصویر به طریق تداعی معانی و یادآوری خاطره و رؤیا می‌تواند رابطه‌ای عمیق و ناگسستنی با اثر برقرار کند. مثلاً بیان معصومانه و گاه کودکانه قصه‌ها، کودکان را برایمان تداعی می‌کند با دنیای جن و دیو و پری‌هایش و دنیای خیال‌پردازانه و پراوهم و رؤیاهایش. شاید به گفته یکی از نویسندگان، حقیقت چنین باشد که رمانهای بزرگ، قصه‌های کودکانه بزرگی هستند. از آن جایی که یک اثر ادبی از تجربه‌های شخصی و اجتماعی نویسنده جدا نیست، در همه نوشته‌ها، پارسی‌پور خود در تداوم تاریخی زمان و مکان حضوری گسترده و فعال دارد. زمانی با چشم‌های کودکی‌اش جهان را می‌بیند و زمانی کودکی خود را در بزرگسالی تحلیل می‌کند. وی در تمرین مداوم اندیشه و تداعی معانی می‌خواهد به کشف بخش‌های پرابهام موجودیتش در مقاطع مختلف تاریخی به‌عنوان یک فرد، یک نسل و یک اجتماع برسد.

در ذهن پارسی‌پور حوادث تاریخی، سیاسی، اجتماعی و علمی در جهان چون سلسله اعصاب به هم مرتبطند. مکان از بعد فاصله تهی می‌شود، مرز زمان شکسته می‌شود و حوادث گذشته و آینده به عنوان پدیده‌هایی در روند زمان حال حضور می‌یابند، این گونه است که عناصر متضاد و بسیار دور از هم در یک بافت ترکیبی به هم چفت می‌خورند. و ترکیبی بدیع و غیر متعارف می‌آفرینند. چرا که ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که تکنولوژی ارتباط، مرزها را فرو ریخته است. هر کنشی در یک نقطه دنیا بر واکنش فردی در یک نقطه دیگر اثر می‌گذارد. و هر حادثه‌ای در کوچکترین بخش زیست انسانی و حتی غیر انسانی در تغییر سرنوشت بشر امروز سهم دارد. پارسی‌پور در چنین دنیای پیچیده متحولی رنج متعالی‌اش را از زیستن در جامعه‌ای که معیارهای دوگانه دارد، طنزواره بیان می‌دارد. جامعه‌ای که ابتدایی‌ترین نیازهای بشری را چون غذا خوردن، میل جسمانی داشتن و اسباب شادی و طرب را گناه می‌شمارد، اما در خفا به آنچه تقبیح می‌کند تن می‌دهد. کار پارسی‌پور همچنین در ارتباط با رویدادهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و علمی جامعه است که معنایی ویژه پیدا می‌کند. خود، خودش را در مقاله «شناسنامه یک نویسنده» به طور تاریخی ارزیابی می‌کند و اثر هر پدیده ریز و درشتی در اطرافش را در تبیین شخصیتی‌اش به عنوان نویسنده دخیل می‌داند. عنصر

شک و نگاه تحلیلی او به پدیده‌هاست که پیوسته انگیزه حرکت و درک و بینش او از جهان بوده است.

چون در همین دوره است که خوانده‌ام اگر خدا نباشد هر چیزی مجاز است، که البته در همان لحظه که خواندم و از پی آن همیشه نسبت به ارزش این جمله شک داشتم. اما در عین حال این دوره‌ای است که نسبت به تمامی ارزشهای مستقر شک روا می‌دارند. این‌طور است که میدان مبهمی برای حرکت فراهم آمده که ارا به‌ران آن اراده انسانی است.<sup>۶</sup>

اگر معتقد باشیم که پیوسته موانع انسان را به درک والایی از شرایط بشر هدایت می‌کنند، باید اذعان کرد که تجربه انقلاب، زندان و جنگ و البته تجربه زن بودن پارسی‌پور در پیچ و خم مسایل کتونی زنان در جامعه، ناگهان او را — آن‌طور که خودش نیز می‌گوید «به میدان حادثه پرتاب کرده است و این گویا یک فرمان تاریخی است».<sup>۷</sup> اما در جریان حوادث تاریخی به حقیقتی شگفت‌انگیز از وضعیت انسان پی می‌برد: اگر تنها ریسمان باریکی مرا به زندگی اتصال داده باشد، همین است؛ شهادت می‌دهم انسان را دیده‌ام که در زیر بدترین ضربه‌ها انسان مانده است. درست به همین دلیل به اشرافیت انسان در معنایی عام باور دارم. تمامی انسانهای کره زمین — حتی هنگامی که خودشان باور ندارند — در جهت عروج انسان حرکت می‌کنند. چرا که انسان حقیقی را تنها می‌توان در هنگامی شناخت که در زیر ضربه قرار گرفته است و انسان زیر ضربه در مسیر حرکت، چنان بزرگ می‌شود که اگر بخواهد می‌تواند دست دراز کند و تمامیت جهان را لمس کند.<sup>۸</sup>

غزای کار شهرنوش پارسی‌پور چه در جهت محتوا و اندیشه و چه در تخیل و فرم بیانی در داستانهای مردان تمدنهای مختلف خود را منجنی می‌سازد. پارسی‌پور از یک‌سو متکی بر یادگار و سنت پر بار ادبی نویسندگان کلاسیک ایرانی است و از سوی دیگر به ادبیات عهد کهن شرق و همچنین نوآوریهای ادبی غرب عشق می‌ورزد. این داستانها کتاب اندیشه‌های متی اثر برتولت برشت را به یاد می‌آورند که در عین سادگی مفاهیم پیچیده‌ای در آنها بیان می‌شود. و یا در پیچیدگی‌شان مسایل ساده نهفته است. که زبان داستانها موجز، غنی و بی‌حاشیه پرداز است. این نه داستان در امریکا نوشته شده‌اند و آن‌طور که در پیشگفتار آمده است، تلاش نویسنده است «برای یافتن راهی جهت تبیین انگیزه‌ها و شرایط مهاجرت ایرانیان در پانزده سال گذشته...».<sup>۹</sup>

آنچه در چاپ این کتاب اهمیت دارد، تلاش مسعود والی پور و افشین تصیری در تمرکز دادن به نشر ادبیات معاصر ایران است که به منظور دو هدف صورت پذیرفته است:

- ۱- ادبیات ایران را جهانی ساختن.
  - ۲- هویت دادن به مهاجران پراکنده ایرانی به منظور جلوگیری از «تعلیق ابدی در بیسط بیکران غربت» و همچنین حل نشدن در بافت جوامع دیگر.
- با در نظر گرفتن ویرایش پاکیزه کتاب این نکته از ذهن می گذرد که آیا ترتیب نامنظم تاریخنگاری چاپ مقاله ها عمدی نبوده است؟
- عنوان کتاب نیز این تصور را در ذهن خواننده ایجاد می کند که آیا حضور قدرتمند و نامرئی گرگ نبوده است که این گونه تمامیت بیکران و پر غوغای حوادث داستانها و مقاله ها را سبب شده است؟

شیکاگو

پانویس:

- ۱- Brennan, Joseph Gerard. *Three Philosophical Novelists*.
- ۲- «شناسنامه یک نویسنده»، صفحه ۲۲۸.
- ۳- اسماعیل خویی به عنصر اصلی اندیشه، خیال و زبان را ذات شعر می داند. (از کتاب روشن تر از خاموشی، به ویراستاری مرقسی کاشی - نقل در نشریه بزواک، فروردین ۱۳۷۱).
- ۴- Nabokov, Vladimir, *Lectures on Literature. Good readers and good writers*, 1980. Ny. NY.
- ۵- همان جا.
- ۶- «شناسنامه یک نویسنده».
- ۷- «چرا می نویسم»، صفحه ۲۷۳.
- ۸- «شناسنامه یک نویسنده»، صفحه ۲۴۲.
- ۹- پیشگفتار، صفحه ۲۵.